

## فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران برای تشکیل جبهه واحد نیروهای انقلابی و دمکراتیک

شد. ساواک را منحل کردند، اما "ساواجا" و انواع نهادهای دیگر اطلاعاتی و جاسوسی و سرکوبگر با شرکت فعال ساواکی‌ها جایگزین آن شده است. امروز نیز مانند گذشته فعالیت احزاب و سازمان‌های مترقی و دمکراتیک و سندیکاها مستقل کارگری ممنوع گردیده است.

توده‌های میلیونی با رستاخیز خود زندان‌ها را فتح، زندانیان سیاسی را آزاد و شکنجه‌گاه‌های "ساواک" را بقیه در ص ۲

جمهوری اسلامی در نهمین سال حیات خود با بحران عظیم ساختار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و روبروست. این حقیقتی است غیر قابل انکار که بازتاب آنرا حتی در مطبوعات تحت سانسور نیز به آسانی می‌توان مشاهده کرد.

مردم میهن ما انقلاب کردند تا پس از ربع قرن حاکمیت چهارده شاه به حقوق و آزادی‌های دمکراتیک دست یابند. اما پس از یک دوران کوتاه، رژیم استبداد مذهبی قرون وسطایی جایگزین رژیم خودکامه گذشته



شماره ۱۵۶ دوره هشتم  
سال سوم - شنبه ۱۳۶۶/۳/۵  
بهاء ۲۰ ریال

## جنگ به آب‌های خلیج فارس کشیده می‌شود

این فاجعه نخستین شرط پایان دادن به جنگ هستی برانداز ایران و عراق است. این خواست اکثریت قاطع توده‌های زحمتکش میهن ماست. این جنگ که بزودی وارد هفتمین سال خود می‌شود، جز تلفات عظیم انسانی و خسارت بی‌شمار مالی به هر دو طرف درگیر در جنگ پی‌آمده نداشته است. تجربه شش سال گذشته نشان داد که پیروزی در جنگ امکان‌پذیر نیست. عقل سلیم حکم می‌کند تا طرفین مسائل مورد اختلاف را پشت میز مذاکره حل کنند. همه سازمانهای بین‌المللی و کلیه کشورهای صلح‌دوست، و از آنجمله اتحاد شوروی، خواهان حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌های میان ج.ا. و عراق هستند. اما جنگ نه تنها ادامه دارد، بلکه روز بروز تشدید نیز می‌شود و خطر آن هست که دیگر کشورها را نیز فراگیرد.

چه کسانی شعله جنگ میان دو کشور همسایه را دامن می‌زنند؟ همه می‌دانند که مسئله جنگ به یکی از گره‌های سیاسی حاد در کشور ما تبدیل شده است. در این چارچوب می‌بینیم که علیرغم ترور و اختناق حاکم بر کشور بحث پیرامون پایان دادن به جنگ کاملاً ادامه دارد. این نیز روشن است که جناحی از حاکمیت به رهبری خمینی حاضر به آتش‌بس در جبهه‌ها و نشستن پشت میز مذاکره نیست. این بقیه در ص ۶

دامنه جنگ و برانگیز ایران و عراق گسترش می‌یابد. تشدید حمله به کشتی‌هایی که زیر پرچم کشورهای مختلف در حرکت هستند، عملاً جنگ راه آب‌های خلیج فارس کشانده است. طبق آمار ارائه شده از جانب شرکت‌های کشتیرانی، از اول سال میلادی ۱۹۸۷ تا کنون بیش از ۲۰ کشتی خارجی، بطور عمده نفتکش، مورد حمله نیروهای هوایی و دریایی ایران و عراق قرار گرفته‌اند و خسارت‌های جانی و مالی زیادی به بار آمده است.

طی چند روز گذشته یک کشتی شوروی مورد حمله هواپیمای "ناشناس" قرار گرفت و نفتکش "مارشال چویکف" در نتیجه انفجار مین خسارت دید. پدنیال آن هواپیمای عراقی ناو جنگی "ستارک" آمریکایی را مورد حمله موشکی قرارداد که منجر به کشته شدن ۲۷ نفر از سرنشینان آن گردید. هنوز چند صباحی نگذشته ناوچه‌های تندرو جمهوری اسلامی به نفتکش تروزی حمله کردند و نیز یک کشتی هندی مورد حمله قرار گرفت.

پی‌آمدهای فاجعه‌انگیز این حوادث بر کسی پوشیده نیست. ادامه این وضع که نتیجه مستقیم ادامه جنگ ایران و عراق است، در آخرین تحلیل می‌تواند به گسترش جنگ در سراسر منطقه خلیج فارس منجر گردد و بدینسان هم امنیت منطقه و هم امنیت جهانی راه به خطر اندازد. برای جلوگیری از

## جمهوری اسلامی وسالاح اتمی

کار رسوایی رژیم ج.ا. دیگر از حد گذشته است. پس از افشای ماجرای زد و بند ج.ا. با آمریکا و اسرائیل و خرید اسلحه آمریکایی به چند برابر قیمت اصلی و تبادل اطلاعات با "سیا" حالا شوبت به سلاح اتمی رسیده است. "نامه مردم" بیش از این در شماره ۱۴۷، در این مورد هشدار داد و پرده از نیات شوم و جنایتکارانه حاکم ج.ا. برداشت. اما ماه گذشته مطلبی در مطبوعات آمریکا درز کرد که زوایای دیگری از این ماجراجویی را روشن می‌کند.

ابتدا ممکن است این خبر موجب تمسخر شود که: "جمهوری اسلامی و سلاح اتمی؟! رژیمی که در راه انداختن ساده‌ترین صنایع کشور درمانده، چگونه می‌خواهد سلاح اتمی بسازد؟ اما نگاهی به اخبار و رویدادهای اخیر نشان می‌دهد که رژیم ج.ا. به‌رغم ناتوانی از حل ساده‌ترین مسائل اقتصادی و اجتماعی کشور، می‌خواهد از هر راه ممکن به سلاح اتمی دست یابد.

"دیوید سگال" در مقاله‌ای که اخیراً در واشنگتن پست منتشر شده است می‌نویسد که رژیم ج.ا. ابتدا برای کامل کردن پروژه‌های اتمی شاه با مؤسسه "کرافت ورک اونیون" آلمان بقیه در ص ۶

## "روز قانون" و "هفته مجلس"!

رفسنجانی "استوانه" های رژیم هم این واقعیت را درک کرده‌اند که چنین حناهایی دیگر رنگی ندارند. سخنان منتظری در جمع مسئولان روابط عمومی "مجلس شورای اسلامی" در پاسخ به "درخواست رئیس مجلس" در زمینه یاد شده، تایید کننده این واقعیت است.

وی می‌گوید: "نامگذاری کاری است آسان و صرف اسم گذاری دردی را دوا نمی‌کند... اینطور نباشد که خدای ناکرده ما بخواهیم سر قانون کلاه بگذاریم و یا مثلاً قانون را (فقط) بقیه در ص ۵

هفتم خرداد "روز قانون" و هفتم تا سیزدهم این ماه "هفته مجلس" نامگذاری شد. این "روز" و "هفته" نیز انگیزه‌ای برای فریب توده‌ها و ادامه‌ای است بر "هفته جنگ"، "هفته وحدت"، "هفته معلم" و... که هر از گاهی پراه می‌افتد و چون چرقه بی‌مقداری در تاریکی خاموش می‌شود. در واقع هیاهوی بسیار برای هیچ.

نه تنها توده‌ها - که بحث درباره "هفته" ها و "روز" ها و "نشست" ها و "سینار" ها و شعارهای آتشینی که سرعت برق فراموش می‌شوند، موجب تفریح و مزاحشان می‌گردد - بلکه برخی از بقول

### در صفحات تجد

● قانون کار مورد بحث و قانون کاری که ما می‌خواهیم

● بیانیه‌ای از: انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای

کارگران و زحمتکشان تهران و حومه

در ص ۴

● فراخوان گروهی از کارگران صنایع

در ص ۲

## پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

## فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران برای ...

کردند، اما "ساواجا" و انواع نهادهای دیگر اطلاعاتی و جاسوسی و سرکوبگر با شرکت فعال ساواکیها جانشین آن شده است. امروز نیز مانند گذشته فعالیت احزاب و سازمانهای مترقی و دمکراتیک و سندیکاهای مستقل کارگری ممنوع گردیده است.

توده‌های میلیونی با رستاخیز خود زنده‌اند! رافتح، زندانیان سیاسی را آزاد و شکنجه‌گاههای "ساواک" را با انواع ابزارهای شکنجه به موزه تبدیل کردند. اما اینک زندانها دوباره مملو از مبارزان راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی شده است. با سقوط شاه جنایات رژیم از پرده بیرون افتاد و میلیونها ایرانی باید دیدن ابزارهای شکنجه به ژرفای فاجعای که در فراموشخانه‌های "ساواک" روی می‌داد و رژیم گذشته سالها منکر آن بود، آگاهی یافتند. امروز نیز شکنجه‌گاهها با انواع ابزارهای شکنجه قدیم و جدید دوباره بکار افتاده است و چوخه‌های اعدام که دیروز بنام شاه سینه‌های مبارزان راه سعادت زحمتکش را شنبک می‌کردند، امروز بنام "اسلام فقامتی" به کشتار جمعی آنها می‌پردازند.

یکی از خواستهای عمده نیروهای محرکه انقلاب، پایان دادن به وابستگی اقتصادی کشور به انحصارهای فرامیلتی و تأمین استقلال اقتصادی بود. سران رژیم جدید نه تنها کام مؤثری در راه تحقق این خواست خاق برنداشتند، بلکه وابستگی اقتصادی کشور به جهان غرب را تشدید کردند. ناگفته پیداست که بدون استقلال اقتصادی، استقلال سیاسی نمی‌تواند وجود داشته باشد. ماجرای "ایران گیت" و زد و بندهای پشت پرده سران رژیم ج.ا. با امپریالیسم آمریکاشاهد گویایی در اثبات این نظر است.

توده‌های میلیونی مردم انقلاب کردند تا به حاکمیت کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان پایان داده شود و عدالت اجتماعی، به معنی واقعی آن، در جامعه تحقق یابد. اما پس از گذشت هشت سال از انقلاب بهمن، فقر و فاقه در جامعه فراگیر شده است. بیش از ۶۰ درصد اهالی کشور با فقر مطلق بسر می‌برند و یا با محرومیت بی‌سابقه‌ای روبرو هستند. کمبود مایحتاج زندگی، سیر صعودی قیمت‌ها، زندگی میلیونها ایرانی را تهدید می‌کند. با وجود اعزام صدها هزار نفر به جبهه‌های بی‌بازگشت جنگ ویرانگر، بیکاری پدید می‌آید. رشد اقتصادی متوقف شده است. تعمیق بحران اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک، روند رویگردانی توده‌های زحمتکش از رژیم ضد خلقی را سرعت بخشیده است. این یک قانونمندی عام اجتماعی است که نه رژیم گذشته و نه رژیم ج.ا. قادر به درک آن نبوده و نبستند.

هم رژیم گذشته هم کسانی که پس از انقلاب حاکمیت را قبضه کردند، بهیچوجه تصور نمی‌کردند و می‌کنند که در اواخر سده بیستم، ایران می‌تواند "استثنایی" در جهان باشد. رژیم گذشته بنا به ماهیت ضد خلقی خود قادر نشد به سرشت نیروهای محرکه رشد اجتماعی پی ببرد و سرنگون شد. امروز نیز ما شاهد همین روند هستیم. روحانیون مرتجع حاکم نیز قادر به درک این قانونمندی عام

نیستند.

شاه صاحب قدرت نامحدود در اداره امور کشور بود. خمینی نیز پا جای پای او گذاشته است. رژیم گذشته برای رنگ و روغن کاری سیمای مردم ستیزانه خود مجلس شورای ملی و سنایا پیاپی کرد و حزب "ماورا" طبقاتی رستاخیز را سازمان داد. رژیم ج.ا. مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان، شورای نگهبان و حزب "ماورا" طبقاتی ج.ا. را جایگزین نهادهای دوران گذشته کرده است. اما علیرغم این دست و پا زدن‌ها، حیات اجتماعی تابع قانونمندیهای عینی خود است و هیچ نیرویی نمی‌تواند از سیر محتوم آن جلوگیری کند.

امروز پس از گذشت بیش از ۸ سال از انقلاب بهمن، تضادهای اجتماعی که شرایط سقوط رژیم گذشته را فراهم آورده بود، نه تنها از بین نرفته، بلکه تحت تاثیر عوامل گوناگون، از آن جمله خصلت قرون وسطایی رژیم و ادامه جنگ خانمانسوز، به مراتب فزونتر شده است. رژیم قادر نیست و هرگز قادر نخواهد بود که روی تضادهای فزاینده اجتماعی سرپوش بگذارد. این تضادها علیه نظام "ولایت فقیه" و ج.ا. عمل کرده و خواهد کرد.

می‌توان پرسید: چرا با وجود عملکرد این تضادها رژیم هنوزم به حیات خود ادامه می‌دهد؟ این سئوالی است که سیر رویدادها در جامعه مادر برابر همه نیروهای انقلابی و دمکراتیک قرار داده است و باید به آن پاسخ داد.

نکته‌ای که مقدمتاً در پاسخ به این سئوال توجه به آن ضرورت دارد، این واقعیت است که رژیم در فضای دمکراتیک جامعه، تناسب نیروها را بسود خود نمی‌بیند. به همین سبب برای ادامه حاکمیت خود به ارگانهای سرکوبگر تکیه کرده است.

از این رو، حزب توده ایران وحدت نیروهای انقلابی و دمکراتیک رایگانه راه برای مقابله با دیکتاتوری و رژیم حاکم و تغییر تناسب نیروها بسود جنبش می‌داند و بر آن است که تفرقه میان سازمانهای مترقی و دمکراتیک ضرر رژیم به پانچرایی آن کمک می‌کند و تا زمانی که این تفرقه و درموردی حتی خصومت آشکار میان نیروها ادامه دارد، رژیم برای تحکیم مواضع خود از آن بهره خواهد گرفت. بنابراین، تسریع عملکرد تضادهای موجود در جامعه مستلزم سازمان دادن مبارزه توده‌های وسیع خلق است - و این نیز بدون ایجاد جبهه واحد نیروهای انقلابی و دمکراتیک امکان پذیر نیست.

خوشبختانه سیر حوادث چنان است که همه نیروهای انقلابی و دمکراتیک به این واقعیت ملموس پی برده‌اند و ضرورت تشکیل جبهه واحد را مطرح می‌کنند. ولی متأسفانه هنوز به ماهیت این جبهه وقوف نیافته‌اند. بی‌سبب نیست که ما با انواع پیش شرط‌ها درباره تشکیل جبهه واحد از جانب این یا آن سازمان روبرو هستیم. شرکت در جبهه واحد تابع قانونمندی ویژه‌ای است. در

حقیقت، تشکیل جبهه واحد با مرحله انقلاب پیوند تنگاتنگ دارد. ضرورت تشکیل جبهه واحد (زیر هر نامی) ناشی از گوناگونی انگیزه‌هایی است که طبقات و لایه‌های مختلف جامعه را به مبارزه علیه رژیم سوق می‌دهد.

احزاب و سازمانهای مترقی و دمکراتیک هر یک بنحوی منعکس کننده خواستهای این یا آن طبقه و گروه اجتماعی هستند. این خواستها در مرحله کنونی انقلاب، که از نظر ما "ملی و دمکراتیک" و به بیان برخی از سازمانها "دمکراتیک و ضد امپریالیستی" است، بطور عمده عبارتند از مطالبات عمده دمکراتیک و تحقق مطالبات عام دمکراتیک که ضرورت یک انقلاب خلقی را در دستور روز قرار داده است.

از آنجائیکه هیچ یک از احزاب و سازمانهای انقلابی و دمکراتیک به‌تنهایی قادر به پیچ و هدایت خلق نیستند، تشکیل جبهه واحد برای رسیدن به این مقصود، اهمیتی حیاتی کسب می‌کند. این جبهه تنها می‌تواند بر پایه یک برنامه مشترک که مورد توافق همه شرکت کنندگان در آن برای تحقق وظایف معین و مشخص باشد، تشکیل شود. تحمیل هر شرط دیگری جز مبنا قرار دادن برنامه مشترک، علاوه بر معنای نفی جبهه واحد و کمک به ادامه تفرقه و پراکنندگی است.

کمیته مرکزی حزب توده ایران در این لحظات حساس و سرنوشت ساز بار دیگر همه سازمانهای انقلابی و دمکراتیک را مخاطب قرار داده و از آنها دعوت می‌کند، علیرغم اختلافهای ایدئولوژیک و سیاسی موجود، در راه تشکیل چنین جبهه واحدی بکوشند. اختلافها نمی‌تواند و نباید مانع وحدت عمل نیروها گردد. زمان به سرعت می‌گذرد. وقت تنگ است. مبارزه علیه دشمن واحد، ضرورت وحدت نیروها را به یک وظیفه عاجل میهنی و انقلابی تبدیل کرده است.

حزب توده ایران آمادگی خود را برای مذاکره پیرامون وحدت نیروهای انقلابی و دمکراتیک حول هدفهای مشترک اعلام می‌دارد و برنامه خود را در این زمینه ارائه کرده است. در حال حاضر، یکی از عوامل بازدارنده تشکیل جبهه واحد، توده‌ای ستیزی و پیشداوریهای ذهنی برخی از نیروهاست. تجربه نشان داده که توده‌ای ستیزی همواره به نفع ارتجاع حاکم عمل کرده است. بیائید از تجربه‌های تلخ گذشته پند بگیریم. نباید فراموش کرد که علت اساسی شکست نهضت‌های رهایی بخش در کشور، در طول تاریخ بیش از هشتاد سال اخیر جز تفرقه و نفاق بین نیروهای انقلابی و دمکراتیک نبوده است. باید به ندای زمان و ضرورت انقلاب و نیاز وحدت جوانان خلق پاسخ مثبت داد و هر نوع پراکنندگی را از پیش پا برداشت. وحدت ضامن پیروزی است.

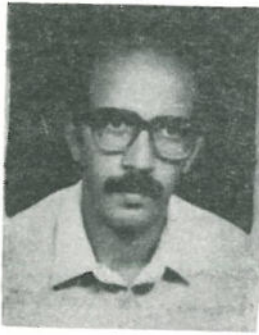
پیش بسوی تشکیل جبهه واحد نیروهای انقلابی و دمکراتیک!  
کمیته مرکزی حزب توده ایران  
اردیبهشت ۱۳۶۶



بیکار مستمر در راه وحدت عمل کلیه مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی یک وظیفه انقلابی است!

## فراخوان گروهی از کارگران صنایع

## یادواره



رفیق حسن خوش خبر

در شماره ۱۴۸ "نامه مردم" از ایستادن تپش قلب مهربان رفیق توده‌ای حسن خوش خبر سخن گفتیم. اینک عکس او و شعر "یادواره" از "منصور ب" که شاعر شکل اصلی آن را برای ما فرستاده است:

## یادواره

یادی بودی تو

گل قاصد کی شاید

چنان سبکبال روزی به دستام نشستی

کف تن سنگی من

از گزند پاندم تو را!

پناه

حتی نداده

و وقتی این چنین در پاندم

لطفات گلبرگهای رنجورت به یغما می رفت

من بی گمان باز

تو را نیافته بودم.

\*\*\*

آن سوی کوهها

آنجا که ره حوصله از چشم می گیرد

وقتی ابر

از پرای خواب گلها

نقره ای می گیرد

به تو می اندیشم.

وقتی انگشتان خیس چشمه

بر تن کاله های جوان می نشیند

تا پذیرهای عشق

به قلبشان نشانند

به تو می اندیشم.

خودروسازی و صنایع وابسته به آنها نظیر ایران تاسیونال، زامیاد و مزدا، زمینه\* اخراج و بیکاری ما را فراهم کرده است. رژیم برای برده کشیدن بر سیاست ضد کارگری خود می کوشد تا توطئه\* باصطلاح باز خرید شدن کارگران (که همان اخراج داوطلبانه\* کارگران است) را اجرا کند. مدیران کارخانه ها، که مجریان سیاست دولت هستند، با انواع شیوه های کنیف ارعاب و تهدید و تفرقه سعی می کنند کارگران را فریب داده و آنها را به بر کردن فرمهای باز خرید و ادار سازند. به کارگران گفته می شود که اگر اکنون خود را باز خرید نکنند تا چند ماه دیگر هیچ پولی به آنها تعلق نخواهد گرفت. اعتراضات مکرر و پراکنده\* کارگران و مراجعه\* آنها به مقامات مختلف دولتی تا بحال نتیجه ای نداده. ادارات و وزارت کار جواب درست و حسابی به کارگران نمی دهند. مثلاً اداره\* کار کرج گفته است: شما که هنوز اخراج نشده اید، هر وقت اخراج شدید بیائید، شکایت کنید تا ما احقاق حق کنیم! (نوشد اروپس از مرگ).

دوستان کارگر!

از گلاشته پند گیریم... حتماً فراموش نکرده اید که در سایه\* اتحاد و یکپارچگی، رژیم را مجبور ساختیم تا پیش نویس قانون کار توکلنی مرتجع و خود او را کنار بگذارد. همین چند روز پیش بود که همکاران ما با اتحاد خود توانستند رژیم را در ذوب آهن، ساسان، دخانیات و دهها کارخانه\* دیگری و ادار به عقب نشینی کنند. اکنون نیز مثل همیشه چاره\* کار در اعتصابات متحد، یکپارچه و بیگنیر است.

با توطئه های رژیم مبارزه کنیم! از بر کردن فرمهای باز خرید خودداری، و رژیم! تسلیم نبوی، خود را بیکار گیریم تا همگال آن باز خرید شده را به سر کار بازگردانیم!

با جمع آوری طومارهایی که خواسته های مادر آن انعکاس یافته است و مراجعات دسته جمعی به روزنامه ها سعی کنیم تا صدای اعتراض خود را به گوش مردم کشورمان برسانیم!

در موارد لزوم از اعتصاب و تحصن برای وادار کردن مسئولان به قبول خواسته هایمان استفاده کنیم!

با کارگران کارخانه های دیگر تماس بگیریم. از اعتراضات آنها پشتیبانی کنیم و پشتیبانی آنها را نسبت به اعتراضات خودمان جلب کنیم! در جهت ایجاد صندوق های بیکاری، صندوق های اعتصاب و هسته های مخفی سندیکائی بکوشیم!

تشکلهای مستقل خود را بدور از تحمیل های وزارت کار و سایر ارگانهای دولتی و نیمه دولتی بوجود آوریم!

عده ای از کارگران کارخانه های صنعتی، این اعلامیه در مهر ماه ۱۳۶۵ منتشر شده و با شعار "چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است" پایان یافته است.

گروهی از کارگران "کارخانه های صنعتی" با انتشار اعلامیه ای زیر عنوان "متحد با توطئه های ضد کارگری رژیم مبارزه کنیم" - که در سطح وسیع در کارخانه ها و میان زحمتکشان پخش شد - همسنگران خود را به مبارزه با توطئه های رژیم فراخواندند. برای آگاهی خوانندگان "نامه مردم" از شیوه\* برخورد و موضع گیری کارگران انقلابی در زمینه\* مسائل صنفی - سیاسی، تجدید انتشار این اعلامیه ضروری است. در این اعلامیه آمده است:

"دوستان عزیز کارگر!"

تشدید فقر و بیکاری، کرانی و تورم، ویرانی و خانه بدوشی، عدم بهداشت و آموزش صحیح، خرافه پرستی، ترور و اختناق، غارت زحمتکشان و ... نتیجه\* خیانت رژیم جمهوری اسلامی به انقلاب بزرگ بهمن ۵۷ است.

رژیم جمهوری اسلامی، که روحانیت قسمت اصلی آن را تشکیل می دهد، با خیانت به انقلاب و پشت کردن به اهداف مردمی آن، با درپیش گرفتن راه تأمین منافع سرمایه داران و تجار بزرگ، با باز گرداندن سرمایه داران و فئودالهای فراری، با سرکوب خونین و وحشیانه\* حرکت های اعتراضی مردم و احزاب انقلابی و تشکلهای کارگری، با زندانی و شکنجه کردن دهها هزار تن از بهترین فرزندان خلق، از جمله تعداد زیادی از کارگران آگاه و انقلابی، با ادامه\* جنگ بیپوده ای که جز کشتار فرزندان و برادران ما، ویرانی و بیخانمانی و خسارات عظیم اقتصادی نتیجه ای نداشته و نخواهد داشت، با صرف بیش از نیمی از بودجه\* سلاقت\* کشور به مخارج جنگ، با سرآزبر کردن میلیاردها دلار به کسب\* انحصارات اسلحه سازی امپریالیستی و دلانگشان ... هر روز پیش از پیش مردم میهن ما را! به طرف مرگ و نیستی سوق می دهد.

پار اصلی جنگ و دیگر سیاستهای ضد مردمی و چنانیکارانه\* رژیم، اعم از جانی و مالی، بیش از همه متوجه ما کارگران و زحمتکشان است. رژیم با توطئه های گوناگون می کوشد تا از احساسات میهن دوستانه و مذهبی ما کارگران برای ادامه\* جنگی که سرنوشت خود را در گرو آن می بیند استفاده کند. ما باید بکوشیم تا ماهیت جنگ طلبانه و ضد کارگری رژیم را افشا کرده و با توطئه های آن مبارزه کنیم. باید از هر گونه کمک به ادامه\* جنگ، اعم از اعزام به جبهه ها، کمک های نقدی و جنسی به جنگ تحمیلی و همچنین کار در قسمت های اسلحه سازی کارخانجات خودداری کنیم.

کارگران مبارز!

در نتیجه\* ادامه\* جنگ، تصمیمات غلط

اقتصادی و کاهش قیمت نفت، مشکلات بزرگ مالی و ارزی در کشور ایجاد شده، رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی به جای پایان دادن به جنگ و صرف هزینه\* آن برای غلبه بر مشکلات اقتصادی مثل همیشه راه چاره را در فشار بیشتر به ما کارگران یافته است. رژیم با تعطیل و نیمه تعطیل کردن بسیاری از کارخانجات، از جمله کارخانجات

طبقه کارگر متحد همه چیز، طبقه کارگر متفرق هیچ چیز!

## بیانیه‌ای از:

## انجمن همبستگی سندیکاهای و شوراهای کارگران و زحمتکشان تهران و حومه

## درباره قانون کار

اینک در کمیسیون کار و امور استخدامی مجلس در دست بررسی است مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است.  
" نامه مردم " طی چند شماره، خوانندگان خود را با این بیانیه مهم آشنا خواهد کرد:

در اردیبهشت ۱۳۶۶ انجمن همبستگی... بیانیه ایراد باره پیش نویس قانون کار منتشر کرد. در این بیانیه پس از تبریک جشن اول ماه مه و ارزیابی کوتاهی از شرایط حاکم بر ایران، لایحه کار که

## قانون کار مورد بحث و قانون کاری که ما می خواهیم

و فقر به او و خانواده اش تحمیل شده است. اینست نمونه دستبخت آقای سرحدی زاده و دولت خدمتگزار کارفرما!!  
این باصلاح طرفداران مستضعفان که برای تعیین هر حقی ارکارگران به جستجو در فقه اسلامی می پردازند در اینجا خود را به فراموشی زده اند که طبق موازین شرع اسلام برای هر عضو بدن به نسبت اهمیت آن " دیه " یا خسارت معینی تعلق می گیرد که باید به خسارت تعیین شده در ماده ۲۱ اضافه شود. با توجه به عدم وسایل ایمنی و حفاظت فنی کارگاهها، در این سال های اخیر، از کار افتادگی و نقص عضو کارگران در صنوف و صنایع، پدید می کند و روز بروز پیدادگری علیه رنجبران کشور شدت می گیرد.  
۲- مراجع رسیدگی به حل اختلاف کارگر و کارفرما، بطور کلی مغایر با ابتدائی ترین حقوق و دست آوردهای کارگران است که ذیلا بشرح آن می پردازیم:

الف- دادگاه کاری که برای ما ترتیب داده اند فقط یکی از ۳ عضو آن بعنوان نه نماینده کارگر بلکه نماینده مشترک کارگران و مدیران، آنهم نه انتخاب بلکه انتصاب می شود و بدتر آنکه جنبه مشاوره دارد نه تصمیم گیری ( مواد ۱۵۶ و ۱۵۷ ). تصمیمات توسط قاضی انتصابی " شورای عالی قضائی " اتخاذ می گردد، یعنی همان شورائی که بزرگ زمینداران و کلان سرمایه داران فراری را باسلام و صلوات استقبال کرده و پسر سرنوشته دهقان و کارگر مسلط ساخته و حق طلبان را به زنجیر کشیده است.  
برای هیات تشخیص نیز باید وزارت کار تعیین تکلیف کند و مقررات تهیه نماید و شخص وزیر نیز آنرا تصویب کند که به تصمیمات مهم کارگران (موضوع ماده ۲۶) رسیدگی نماید و آخر الامر آنان را از حق خویش محروم نماید؟! (ماده ۱۶۲)

ج- مهمتر از همه مسئله حل اختلاف ناشی از اجرای پیمان های دستجمعی کار، بین کارگر و کارفرما می باشد، که اگر کارگران مطابق دستورات "دادگاه کار" عمل نکنند، " واحد کارمحل " که در این لایحه معلوم نشده که این واحد مشکوک تحت فرمان کدام ارگان سرکوبگر و با چه ضوابطی عمل خواهد کرد، بلافاصله وارد عرصه شده و البته " بمنظور جلوگیری از تعطیل کارگاه و تقلیل تولیدات و حفظ مصالح عمومی... " کارگاه را اداره خواهد نمود ( از مواد ۱۶۵ و ۱۶۶ ). یعنی اگر کارگران بخاطر دستیابی به حقوق و مطالبات خویش دست از کار بکشند، " واحد کارمحل " موضوع اختلاف بین کارگران و کارفرما را ( البته با زور سرنیزه )، حل خواهد کرد!!

انجمن همبستگی ضمن تبادل نظر بانمایندگان سندیکاهای کارگری برای یافتن راه حل های اصولی بجهت جلوگیری از اخراج کارگران و لغو مواد ۳۳ و ۳۴ قانون کار قدیم پیشنهادهای خود را با آقای میرمحمد صادقی وزیر کار قبل از توکلی در میان گذاشت. اینک پاردیکر نظرات کلی خود را برای آگاهی بیشتر کارگران بیان می داریم:

۱- برای برقراری امنیت شغلی، ابتدا باید کلمه " اخراج " کارگزار قانون کار حذف شود و چون امکان بروز اختلاف بین کارگر و کارفرما وجود

انجمن همبستگی... در سال ۶۱ با انتشار طرح قانون کار آینده در روزنامه کارگری اتحاد و مبارزات پیگیر خود پاتفاق دیگر سازمان های کارگری، پیش نویس قانون کار کذائی توکلی را همراه خود او در زباله دان تاریخ انداخت. در اسفند ماه ۶۲ نیز با انتشار بیانیه ای، پیش نویس قانون کار سرحدی زاده را نیز بدلیل مغایرت جدی آن با منافع کارگران، از درجه اعتبار ساقط دانست. پاردیکر این وظیفه در مقابل ما قرار گرفته است که ضمن ارائه دلیل مبنی بر رد لایحه مورد بحث، کلیاتی از حقوق همه جانبه خود را که می بایست در قانون کار آینده انعکاس یابد بیان داریم:

## قرارداد کار

آغاز اشتغال که در قوانین کار ایران، تحت عنوان " قرارداد کار " از آن نام برده می شود، باید همراه تضمین و اجرای حقوقی باشد که کارگران جهان، با مبارزات همبسته و چندصدساله خود بدست آورده اند و این حقوق در مجامع بین المللی رسیت یافته و در جوامع کشورهای سوسیالیستی بطور وسیع و همه جانبه و در کشورهای پیشرفته سرمایه داری و در حال رشد، متناسب با قدرت تشکل های سندیکایی کارگران، کمابیش اجرا می شود. از جمله این حقوق، امنیت شغلی کارگران است که در اصول ۲۸ و ۴۲ قانون اساسی نیز بازتاب یافته است. در ماده ۵ لایحه مورد بحث، ضمن استناد به اصل ۲۸ قانون اساسی، فقط حق " انتخاب " شغل ( نه امنیت شغلی ) به کارگر داده شده، اگر چه در جای دیگر همین حق نیز گرفته شده است. در موارد دیگر لایحه از جمله ۲۵، ۲۶ و ۲۷ همچنین در " مبحث اخراج " اصل اخراج کارگر برسمیت شناخته شده و کارفرما این حق را پیدا کرده است که همچون گذشته، آنهم با پرداخت خسارت کمتر، کارگر را اخراج کند. بدین ترتیب دولت و وزیر کار آن، با بی اعتنائی به فریادهای میلیون ها کارگر در اوایل انقلاب مبنی بر لغو ماده ۳۳ قانون کار قدیم یعنی لغو اخراج کارگر توسط کارفرما، این بار با ترتیب دادن دادگاه های بیگانه با منافع کارگران، بسیار بیرحمانه تر از گذشته با کارگر برخورد کرده اند. به ذکر چند نمونه می پردازیم.

۱- آراء، " شورای کارگاه " و " هیات حل اختلاف " قدیم با همه نواقص جدی آن، با توجه به میزان سن و عائله مندی و غیره در ازای هر سال خدمت تا چهارماه ( ۱۲۰ روز ) و در مواردی بیشتر، برای کارگر اخراجی، صادر می شد. در این لایحه این مدت به ۲۰ روز و با توجه به کاهش توانائی های جسمی تا از کار افتادگی کلی کارگر از ۱۲۰ روز بیشتر نخواهد شد. ( مواد ۲۰ و ۲۱ و تبصره آن ). یعنی اگر طبق قانون کار قدیم به کارگر سالم ۱۲۰ روز یا بیشتر خسارت اخراج پرداخت می شد، طبق لایحه جدید همین ۱۲۰ روز ( البته نه بیشتر ) به کارگر از کار افتاده کلی، پرداخت خواهد شد. تصور کنید کارگری که برای تمام عمر " آید خانه نشین شود و اغلب از مزایای بیمه نیز برخوردار نیست، در سنین جوانی از کار افتاده است و قهرا سابقه خدمت او کم و دریافت خسارت اخراج او نیز ناچیز خواهد بود. با این ترتیب کدائی

پپردازد. در حال حاضر بودجه حق بیمه های کسر شده توسط سازمان تامین اجتماعی به بیش از ۱۵۰ میلیارد تومان بالغ شده است، مسئولان پیلان کار خود و نحوه مصرف حق بیمه های کسر شده را به کارگران گزارش نمی کنند. پی تردید این ذخایر که متعلق به کارگران است مورد بهره برداری حکومتیان قرار گرفته و چه بسا به صراف نظامی رسیده باشد. ما ضمن آنکه خواهان چوایکویی سازمان تامین اجتماعی در مورد این وجوه هستیم، طلب می کنیم که هر چه سریعتر از این ذخایر نیروی کار در جهت بهبود خدمات اجتماعی و درمان کارگران با نظارت نمایندگان منتخب آنان، مصرف گردد.

ب - سقف پرداختی صندوق، حداقل دستمزد تعیین شده است و برای هر یک از چهار فرزند تحت تکفل ۲۰ درصد اضافی در نظر گرفته شده. اولاً این میزان تعیین شده، بهیچوجه چوایکویی معیشت خانواده ها بویژه عائله مندان نیست، ثانیاً تعیین مبلغ ثابت بدون آنکه سابق خدمت، تخصص، سن و سایر مشکلات شغلی در نظر گرفته شود، خود نشانه بیگانگی مسئولان با کار و زندگی کارگران و همچنین دشمنی با پیشرفت جامعه تلقی می شود.

ج - با این که حق انتخاب شغل هم در قوانین و هم توسط مسئولان تأکید شده است، مع الوصف این حق نیز در لایحه پایمال شده است (پند "ج" ماده ۸)

د - انجمن های صنفی و سندیکاها که بحق آشنا به مسائل کارگران هستند در مراجع تصمیم گیری حضور ندارند.

ه - با در نظر گرفتن موارد استثنائی، زمان پرداخت مستمیری، بدون آنکه تبعیضی در میان باشد، باید نامحدود اعلام گردد، چون کارگران مسئول بیکاری خود نیستند.

و - شرط بیمه بودن و پرداخت ۶ ماه حق بیمه برای مشمولین صندوق باید حذف شود و به همه بیکارشدگان در هر صنف و رشته، مستمیری تعلق گیرد.

با توجه به دلایل ذکر شده ما ضمن رد لایحه صندوق بیمه بیکاری، خواهان تدوین لایحه دیگری با حضور نمایندگان شکل های مستقل سندیکاها کارگران هستیم.

دارد، باید پس از رسیدگی به موضوع اختلاف، انتقال یا چابجائی کارگر از یک واحد به واحد دیگر کار، جای اخراج او را بپذیرد.

۲ رسیدگی به اختلاف طرفین باید بعد از کمیته هائی گذارده شود که نمایندگان منتخب تشکل های سندیکایی کارگران، در آن حضور موثر داشته باشند. این کمیته ابتدا مسئله ایقای کارگر در شغل خویش و در صورت عدم سازش طرفین، با توجه به تضمین های ایجاد شده، کارگر با حفظ شرایط کار قبل به واحد دیگری منتقل خواهد شد. برای سهولت چابجائی کارگر و رعایت حقوق مکتسبه وی، صدور شناسنامه کار که میزان دستمزد و مزایا، تخصص و درجات شغلی و حرفه ای و دیگر شرایط شغلی در آن مندرج خواهد شد، لازم خواهد بود.

۳ - در صورتیکه کار حاضر و آماده ای برای انتقال کارگر وجود نداشته باشد، می بایست از طریق صندوق بیمه بیکاری که سرمایه آن توسط دولت و کارفرما تأمین خواهد شد، به کارگر در حال تعلیق، مستمری پرداخت گردد، بطوریکه این مبلغ بتواند چوایکویی معیشت کارگر بیکار و خانواده اش باشد. رسیدگی به مسئله تعلیق کارگر که در مواد و تبصره های ۱۲ تا ۱۹ لایحه آمده است (ضمن مغایرت این مواد با منافع کارگران) باید بعد از کمیته های فوق الذکر باشد.

۴ - با توجه باینکه کارفرما بنا به خصلت طبقاتی خود همواره در صد کسب سود بیشتر و بهره کشی وسیعتر است و ضمناً از هرگونه امکانات حکومتی نیز برخوردار است، باید به کارگران، این حق شناخته شده بین المللی داده شود که برای وصول مطالبات خویش از تنها اسلحه خود یعنی حق اعتصاب بهره مند گردند و این حق باید در کنار حق تشکل سندیکایی و مشارکت شورائی آنان در امور، پرسمیت شناخته شود.

## صندوق بیمه بیکاری

الف - همانطور که گفتیم سرمایه صندوق باید توسط دولت و کارفرما تأمین شود و کارگر نباید دیناری از دستمزد خود پایین صندوق

## "روز قانون" و ...

برای ضغفا و مستضعفین بخواهیم."

لحن تند منتظری خطاب به قاصدان رئیس مجلس و محتوی سخنان او بیانگر واقعیت های تلخی است که سران ج.ا. با آنها روبرو هستند. در این سخنان اختلاف های شدید در درون حاکمیت، تلاش ارگان های مختلف ج.ا. برای فریب افکار عمومی و استفاده از "قانون" برای کلاه گذاشتن بر سر زحمتکشان کاملاً آشکار است.

منتظری نه تنها پای قوه مقننه بلکه پای "دستگاه های قضائی و امنیتی" را نیز به میان می کشد که خودسرانه عمل می کنند و نیز با اشاره به "نارسانها، نقاط ضعف و کجی ها" در هشت سال پس از انقلاب پرده از محتوای "نامگذاری" به نام های گوناگون و تشکیل سینیار و کنفرانس و شعار و مصاحبه "برمی دارد و می گوید: اینها مشکلات را حل نمی کند". وی از "لزوم" تشکیل مراکز پازرسی و رسیدگی به شکایات از طرف مسئولین ذریبط و نظارت کامل در وزارتخانه ها، ادارات، دستگاه های قضائی و امنیتی و دیگر ارگان های مرتبط با مردم و فعال شدن کمیسیون اصل نود مجلس و رسیدگی جدی و

برخورد می کند، عواملی باعث می شود که دستگاه قضائی بجای اینکه با خاطی برخورد کند، همان خدمتگزار دولت را دستگیر می کند. با این عملکرد دستگاه قضائی آیا مردم نتیجه نمی گیرند که ما فقط شعار می دهیم؟"

در همان نشست مجلس، قلی شینبی، نماینده دیگر با اشاره به زندگی "حقوق بگیران" که توان خرید را "حتی در بعضی موارد تاده برابر" از دست داده اند، هشدار داد: "اگر فکری نشود نهایتاً این سیستم فساد اداری را در پی خواهد داشت که چبران آن مشکل خواهد بود."

این اظهار نظرهای جسته و گریخته، از زبان نمایندگان که با یکی به نعل و یکی به میخ زدن گوشه هایی از واقعیت را برای هشدار به گردانندگان ج.ا. بیان می کنند، بیانگر هراس عوامل رژیم از بحران عمیقی است که سرتا پای جامعه را فرا گرفته است.

رژیم که خود می داند از پس چنین بحرانی بر نخواهد آمد، پیوسته در جستجوی مفری برای گریز از واقعیت است. همانطور که منتظری اعتراف می کند، برکزاری "روز قانون" و "هفته مجلس" دردی را دوا نمی کند. رژیم رسواتر از آن است که بتواند با چنین خیمه شب بازی هایی به جنایت ها و خیانت های خود ادامه دهد.

قاطع به تخلفات و اجرای عدالت اسلامی سخن به میان می آورد که خود بیانگر بی عدالتی حاکم پر جامعه، فساد دستگاه حکومتی و نارضائی دامن گستر عمومی است.

در اینجا به منتظری و امثال او که در هراس از تلاشی محتمل رژیم هستند باید یاد آور شد که کار از پند و اندرز گذشته و پای رژیم بر لب گور است. از حاکمیتی که از ریشه فاسد شده و ساختار آن در تضاد با منافع زحمتکشان و پیشرفت اجتماعی است، نمی توان انتظار معجزه داشت. چنین حاکمیتی به هر حال بر ضد "ضعفا" و به نفع زورمندان و غارتگران اجتماعی عمل می کند. این واقعیت را نه تنها ما می گوئیم، بلکه خود وابستگان ریز و درشت حاکمیت ج.ا. به آن معترف هستند. کافی است به صفحات دیگر همین روزنامه "اطلاعات" ۲۶ اردیبهشت ۶۶ که سخنان منتظری در آن بازتاب یافته است مراجعه کنیم و نمونه هائی را بر شماریم.

سید حسین قاضی زاده هاشمی، نماینده مجلس، در نطق پیش از دستور پنجشنبه ۲۴ اردیبهشت گفته است: "دستگاه قضائی می گوید اجازه نمی دهیم عده ای مستکبر و گردن کلفت خون مردم را مثل زالو بکنند. اما وقتی که دولت برای مواخذه کسانی که خون مردم را می مکند با افراد خاطی

وحدت عمل برای نجات جان زندانیان سیاسی، وظیفه عاجل  
نیروهای دمکراتیک و مترقی است!

## جنگ به آب‌های خلیج فارس...

سیاست رژیم با استراتژی امپریالیسم آمریکا در منطقه خاورمیانه و نزدیک انطباق کامل دارد. واشنگتن می‌کوشد تا به کمک متحد استراتژیک خود - اسرائیل هر چه بیشتر به شعله‌های جنگ ویرانگر ایران و عراق دامن بزند. ماجرای "ایران - گیت" در زمینه فروش تجهیزات نظامی به ج. ا. پرده از سیاست ایالات متحده آمریکا برداشت. اسناد و مدارکی که در افشای ماجرای "ایران - گیت" در مطبوعات خارجی انتشار می‌یابند، نشانگر آن هستند که روابط پنهانی سران ج. ا. با دولت آمریکا از طریق "سیا" و "موساد" سالهاست که برقرار شده است. هنوز سال ۱۹۸۱ میلادی بود که خبرگزاری "آسوشیتدپرس" شواهد مربوط به فروش سلاحهای آمریکایی توسط اسرائیل به ایران را انتشار داد. "سیا" و "موساد" فروش موشکهای "زمین به زمین" و "زمین به هوا" به بهای ۱۲۵ میلیون دلار به جمهوری اسلامی را سازمان دادند. به نوشته روزنامه "آمریکائی" نیویورک تایمز در سالهای ۱۹۸۲ - ۱۹۸۵ فروشندگان تجهیزات نظامی آمریکا چت چکننده به ج. ا. تحویل دادند. چنین معامله بزرگی بدون موافقت دولت آمریکا امکان پذیر نبود. افشای ماجرای "ایران - گیت" به این معامله پشت پرده پایان نداد. فروش سلاحهای آمریکائی به ایران همچنان ادامه داد. افزون بر این کشورهایی چون سوئد، آلمان غربی، انگلستان، اتریش و غیره نیز سلاحهای مدرن به ج. ا. می‌فروشد. شعبه شرکت ملی نفت ایران در لندن به مرکز خرید تجهیزات نظامی تبدیل شده است. کشورهای امپریالیستی بزرگترین فروشندگان سلاحهای مدرن به دولت عراق نیز هستند.

هدف دولتهای امپریالیستی از شعله‌ور ساختن جنگ ایران و عراق، تحکیم مواضع سیاسی و نظامی خود در منطقه خلیج فارس از طریق تضعیف دو کشور همسایه در حال جنگ است. هم اکنون ناوگان جنگی و از جمله ناو هواپیمابر آمریکائی در آبهای خلیج فارس متمرکز شده و استقلال و تمامیت ارضی کشور ما و دیگر کشورهای منطقه را تهدید می‌کند.

از مجموعه آنچه که گفته شد فقط یک نتیجه می‌توان گرفت: ادامه جنگ ایران و عراق به سود امپریالیسم جهانی، پسرکردگی امپریالیسم آمریکا و به ضرر خلقهای ساکن در کشورهای کرانه خلیج فارس بوده و هست. به این جنگ خانمانسوز هستی‌برانداز باید هر چه زودتر پایان داد. مردم ایران از جنگ بیزارند و به اشکال گوناگون علیه آن مبارزه می‌کنند. اما، تفرقه میان نیروهای مترقی و دمکراتیک که همه مخالف ادامه جنگ هستند، مانع بسیج خلق علیه جنگ می‌شود. با دادن شعار ضد جنگ و صدور رهنمود نمی‌توان نیروی خلق را بسیج کرد. مبارزه مؤثر علیه جنگ نیاز به سازماندهی دارد. این نیز جز با وحدت عمل نیروهای مترقی و دمکراتیک غیر ممکن است. ما از همه این نیروهای طلبیم تا پیرامون این امر حیاتی که حال و آینده میهن ما و خلقهای ستمدیده به آن بستگی دارد، عمیقاً پیاندیشند. فراخوان کمیته مرکزی حزب توده ایران که در همین شماره "نامه مردم" انتشار یافته بازتاب آن مسئولیت تاریخی است که سیر حوادث در برابر همه ما قرار داده است.

\*\*\*

## جمهوری اسلامی و...

غربی مذاکره می‌کرد و همزمان با این مذاکرات محرمانه، در دانشگاه اصفهان نیز یک انستیتوی تحقیقات اتمی تأسیس کرد. "فربدون فشاری" از مقامات انرژی اتمی ایران در زمان رژیم شاه، گفته است که ۷۵ درصد از پروژه شماره ۱۰ بوشهر و ۶۰ درصد از پروژه شماره ۲ بوشهر کامل شده و در هر دو نیروگاه بخش اصلی ناتمام مانده است. پس از آن که مذاکرات با آلمان غربی به بن‌بست رسید، روز ۶ نوامبر ۱۹۸۵ در کیهان هوائی که برای خارج از کشور منتشر می‌شود، آگهی جالبی چاپ شد. در این آگهی آمده است: "برای رشد علوم پایه اتمی و دستیابی به نتایج تکنولوژی هسته‌ای، سازمان انرژی اتمی ایران، از ۱۴ تا ۱۹ مارس ۱۹۸۶ در بوشهر کنفرانسی برگزار می‌کند... سازمان انرژی اتمی ایران از همه دانشمندان ایرانی و خارجی و همه دانشجویان ایرانی دوره عالی فیزیک و علوم که در خارج از کشور تحصیل می‌کنند، دعوت می‌کند که در این کنفرانس شرکت کنند و به تحقیقات آن کمک بپسایند." یکی از موضوعات مورد بحث در

کنفرانس بوشهر "چگونگی کشف، استخراج و تحقیق برای تولید مواد خام هسته‌ای" بود. اما گلایه از نیروگاههای ناتمام بوشهر، در دانشکده امیر کبیر (پلی تکنیک سابق) وابسته به دانشگاه تهران نیز یک راکتور تحقیقاتی ۵ مگاواتی وجود دارد که هم اکنون مورد استفاده قرار می‌گیرد. طبق تحقیقات "لئوناردسکنر" که به سفارش "مؤسسه کارنگی برای صلح بین المللی" انجام شد، ظرفیت سوخت این راکتور ۱۱ پوند (برابر ۵ کیلوگرم) اورانیوم غنی شده ۹۲ درصد است. این ظرفیت در صورت دستیابی به تکنولوژی مناسب، برای تولید یک سلاح اتمی کافی است. متخصصان این رشته همچنین ابراز نگرانی می‌کنند که ج. ا. می‌تواند از این راکتور تحقیقاتی برای دستیابی به پلوتونیوم ۲۳۹ نیز استفاده کند، این همان ماده‌ای است که آمریکا در بمبی که "ناکازاکی" را نابود کرد، بکار برده بود و در استان یزد منابع قابل ملاحظه‌ای از آن وجود دارد.

"دیوید سکال" سپس در مقاله خود اشاره

می‌کند که تکنولوژی دیگری نیز می‌تواند مورد استفاده ج. ا. قرار گیرد و آن تکنولوژی جدید غنی کردن بوسیله اشعه لیزر است. طبق شواهدی که "جفری ارکنز" دانشمند آمریکائی ارائه می‌کند ۴ دستگاه لیزر که در این شیوه می‌توان از آنها استفاده کرد و به سفارش حکومت شاه خاش ساخته شده بود، به ایران منتقل گردیده بود و اکنون در اختیار رژیم ج. ا. است. این دانشمند آمریکائی گفته است که ایران ممکنست تا کنون به تکنولوژی لیزر دست یافته باشد.

بر اساس گزارشهایی که اخیراً منتشر شد آرژانتین نیز با ج. ا. قرارداد همکاریهای هسته‌ای امضا کرده است. چنانکه مقامات وزارت امور خارجه آرژانتین گفته‌اند موضوع قرارداد تحویل یک راکتور هسته‌ای برای دانشگاه تهران است اما گزارشهای دیگر حاکی است که تأمین اورانیوم غنی شده نیز که برای تولید سلاح اتمی بکار می‌رود طی معامله دیگری تعهد شده است.

واقعیات یاد شده نشان می‌دهد که رژیم ج. ا. به شکل خطرناکی دچار جنون هسته‌ای شده است و برای دستیابی به سلاح هسته‌ای به هر دری می‌زند. روشن است که با توجه به امکانات مالی و متخصصان موجود در کشور، رژیم هنوز به تولید سلاح هسته‌ای فاصله دارد. اما آنچه در این میان اهمیت دارد، جنون قدرت طلبی و سلطه‌گری رژیم است که خرج آن را به زور سر نیزه از حلقوم زحمتکشان میهن ما بیرون می‌کشد.

در میهن پلازده ما که بخش بزرگی از صنایع آن تعطیل شده و بیش از ۴ میلیون نفر بیکار وجود دارد و آوارگی و بیخانمانی بیداد می‌کند، در کشوری که صنعت و کشاورزی آن ویران شده و از آموزش و بهداشت خبری نیست، تولید سلاح اتمی تجمل شومی است که فقط زیبینده قامت ناساز ج. ا. است.

در شرایطی که نیروهای صلح و سوسیالیسم و پیشاپیش همه اتحاد شوروی با اجرای سیاستی فعال، مثبت و سازنده، در محدود کردن و برچیدن تسلیحات هسته‌ای می‌کوشند، حرص و ولع دیوانه‌وار رژیم ج. ا. برای بدست آوردن سلاح هسته‌ای منافع خلقهای میهن ما و همه خلقهای منطقه را به خطر می‌اندازد. در صورتی که این آرزوی شوم ج. ا. تحقق یابد، نه تنها صلح منطقه خاورمیانه، بلکه صلح جهانی نیز به خطر خواهد افتاد.

انحصارهای امپریالیستی در مقابل تأمین امکانات مورد نیاز ج. ا. در تولید سلاح اتمی، بدون تردید امتیازهایی طلب خواهند کرد که تاوان آنها را باید خلقهای ایران و منطقه بپردازند. دلارهایی که حکام ج. ا. از بودجه کشور و در آرزوی صدور انقلاب صرف پروژه‌های هسته‌ای می‌کنند، عصاره رنج مردم محروم ما و ثانی است که سران خاش ج. ا. به انواع لطائف الحیل از سفره زحمتکشان می‌دزدند. سلاح اتمی، اگر بدست رژیم ج. ا. بیفتد، صاعقه ویرانگر و مرگباری است که به فرمان دیوانه‌ای در آید. برای مهار کردن این دیوانه‌ها هم جز اتحاد نیروهای ما راهی نیست!

نابود باد جنگ، زنده باد صلح!

## دستگیری شادی

## تصادفی نیست

پس از دستگیری محمد شادمانی - معروف به "شادی" - از شکنجه‌گران مشهور "ساواک" از جمله معلوم شد که او مدتی مامور مهر و کنترل گذرنامه در فرودگاه مهرآباد بوده و گویا توانسته بوده که تا کنون سوابق خود را به نحوی پنهان کند.

ما می‌پرسیم: این چانی که "از سال ۴۹ تا ۵۷ در کمیته موسوم به ضد خرابکاری شاه معدوم شکنجه و بازجویی مخالفان رژیم شاه را به عهده داشته است" به چه نحوی و به اتکاء چه دستهای مرموزی توانسته سوابق خود را پنهان کند و در جای حساسی چون فرودگاه مهرآباد، که ملاء عام است، کار مهر و کنترل گذرنامه‌ها را به عهده بگیرد؟

رژیم می‌کوشد تا این واقعیت را "تصادفی" قلمداد کند. ما می‌گوییم: درست است که جریان دستگیری "شادی" تصادفی بود، اما بکارگیری او بعنوان مامور کنترل امنیتی تصادفی نبوده و امری کاملاً آگاهانه و سازمان‌یافته بوده که نه تنها شامل "شادی" بلکه شامل "شادی" های دیگر هم شده است. از فردوست گرفته تا دیگران.

چگونه می‌توان پاور کرد شکنجه‌گر معروفی که در ابتدای پیروزی انقلاب صدها نفر به خوش تشنه بودند و در جستجویش در بدر و خانه به خانه می‌گشتند تا بدست عدالت سپارندش، از سر تصادف توانسته باشد از فرودگاه مهرآباد - آن هم در جایی حساس و بسیار مهم - سردر بیاورد؟

نه، این امر تصادفی نیست و به خواست رژیم انجام شده است. اگر حضور فردوست در پس پرده اداره کارهای "امنیتی" رژیم تصادفی بوده، پس حضور "شادی" هم چنین است.

رژیم می‌داند که از این دشمنان قسم خورده بهترین فرزندان خلق خیلی خوب می‌تواند در راه هدف‌های خود بهره بگیرد، روزی که روند انباشته شدن زندانهای ج.ا. از انبوه نیروهای مترقی و انقلابی آغاز شد، امثال "شادی" شکنجه‌گر اطمینان یافتند که نه تنها نباید احساس خطر کنند، بلکه مانند گذشته دور دور آنها خواهد شد. بگذریم که تصادفاً "شادی" بدشانشی آورده و سر و کارش به پشت میله‌ها افتاده، اما این امر فی الواقع تصادفی است.

چنین انسان‌نمایی در خدمت ارباب جدید همان وظایفی را انجام می‌دهند که در خدمت ارباب پیشین انجام می‌دادند. برای شکنجه‌گران علی‌السویه است که اربابهای پیشین و امروز از نظر شکل و شمایل تفاوت‌هایی هم پاهم داشته باشند. آنها فقط به آلف والوف خود می‌اندیشند. این حیوانات آدم‌نسا - که از نوع "مسلمان" آنها هم بسیار دیده می‌شوند - خود را برای کارهایی آماده کرده‌اند که همیشه مورد نیاز رژیمهای ضد خلقی و ضد ملی است. زندگی اینان به زندگی بهره‌کشان هسته است و این بهره‌کشانند که در میهن ما همچنان سمن قدرت می‌رانند.

## شرکت نماینده حزب توده

محافظه‌کارانه را پرده پوشی کند.

وی افزود:

"دوران ما هر چه مهرم‌تر ضرورت تغییر را می‌طلبد و چنین تغییری تنها با ائتلاف گسترده نیروهای چپ امکان‌پذیر است."

پس از سخنرانی گشایشی رفیق فلوراکیس، نمایندگان دوازدهمین کنگره کمیته‌های یونان به بحث درباره گزارش کمیته مرکزی و "ترها"ی آن پرداختند و این اسناد و دیگر قطعنامه‌های کنگره را به تصویب رسانیدند. در "قطعنامه سیاسی" کنگره "بیکار در راه صلح و خلع سلاح و اتحاد همه نیروهای مترقی یونان" وظیفه نخستین حزب خوانده شده است.

در پایان کنگره، نمایندگان، ارگانهای رهبری جدید را برگزیدند. رفیق فلوراکیس بار دیگر به سمت دبیر کل کمیته مرکزی انتخاب شد.

نماینده حزب توده ایران در کنگره دوازدهم حزب کمونیست یونان "دروهای رژیم و انقلابی اعضا و هواداران حزب و همه کمیته‌های ایران" راه کنگره تقدیم داشت.

وی پس از اعلام پشتیبانی از "ابتکارهای چشمگیر اتحاد شوروی برای رهاسازی بشریت از فاجعه هسته‌ای و تأمین صلح جهانی" به تشریح مفصل سیاست جنگ افروزان و سرکوبگرانه رژیم خمینی پرداخت. نماینده حزب توده ایران در پایان سخنرانی خود گفت:

"حزب توده ایران از همبستگی با یونان کمونیست‌های یونان با بیکار دشوار توده‌ایها علیه سرکوبگری و اختناق پس‌سپاسگزار است. با توجه به جنگ افروزی فزاینده رژیم خمینی که خطری که جان صدها تن از زندانیان سیاسی ایران را تهدید می‌کند، از تریبون دوازدهمین کنگره حزب کمونیست یونان همه احزاب کمونیستی و کارگری و سازمانهای مترقی سراسر جهان را فرامی‌خوانیم، تا همچنان بر پشتیبانی خود از ما و دیگر میهن‌دوستان و عناصر دمکراتیک کشورمان بیافزایند."

روز پنجشنبه ۱۴ مه نماینده حزب توده ایران، باتفاق دیگر میهمانان کنگره در مراسم گل‌گذاری در میدان تیر شهر "کساریاتی" شرکت کرد. در این میدان بود که در روز اول ماه مه ۱۹۴۴ فاشیستها ۲۰۰ کمونیست یونانی را تیرباران کردند.

در همان روز، نماینده حزب در جلسه همبستگی در "خانه کارگر" شهر "خانیان" (در جزیره "کرت") سخنرانی کرد. پس از این سخنرانی، بسیاری از حاضران، از جمله زنان یونان، که عزیزانشان زیر شکنجه فاشیستها شهید شده بودند، در فضایی آکنده از شور انقلابی، همبستگی خود را با حزب توده ایران، شهیدان و رفقای زندانی حزب ابراز داشتند. سخنرانی نامبرده در همه روزنامه‌های "خانیان" منعکس شد.

نماینده حزب مادر روزهای اقامت خود در یونان با دیگر نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری جهان دیدارهای رسمی بعمل آورد. از جمله دیدارها، ملاقاتی در کمیته مرکزی حزب

## گفته‌ها و نوشته‌ها

بالاخره اختلاف وجود دارند یا نه؟

● خمینی:

"یک کلمه اختلاف انگیز در یک همچو موقعی که اسلام در معرض خطر کفر است، این از گناهای است که نمی‌شود به این زودی‌ها از آن گذشت." (اطلاعات - ۲۹ فروردین ۶۶)

● منتظری:

"اگر هر کسی بخواهد بگوید "فکر من" انقلاب شکست خواهد خورد و این را بدانید ایجاد اختلاف اول به خود انسان ضربه وارد خواهد کرد. این طرز تفکر خصوصاً در مسئله انتخابات موجب شده تا در مناطق مختلف میان اقشار ملت و حتی روحانیون محلی اختلاف ایجاد شود." (همانجا)

● روزنامه جمهوری اسلامی:

"بعضی زرمه‌ها - هر چند صاحبان آنها برای خود توجیهاتی هم داشته باشند - نگران کننده است. و طبعاً از امام امت چنین انتظاری وجود دارد که به موقع هشدار دهد و قبل از آنکه از همین زرمه‌ها اختلافی بوجود بیاید جلوی آن را بگیرد." (جمهوری اسلامی - ۲۴ اسفند ۶۵)

● رفسنجانی در پاسخ به خبرنگار فرانسوی:

"الان هیچگونه اختلاف نظری در میان مسئولان ایران وجود ندارد." (اطلاعات اردیبهشت ۶۶)

کمونیست یونان بود. در این دیدار از طرف حزب برادر در یونان، رفیق اورست کولوسوف، عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی و سرپرست شعبه بین‌المللی حزب کمونیست یونان و رفیق پایپترو، عضو مشاور کمیته مرکزی شرکت کردند.

از دیگر فعالیتهای نماینده حزب در این سفر می‌توان از چندین مصاحبه با "ریزوس پاس تیس"، ارگان مرکزی حزب کمونیست یونان، نشریه "یروتی" و نشریات گوناگون احزاب کمونیستی و کارگری و سازمانهای آزادی‌بخش جهان نام برد.

روز یکشنبه ۱۷ ماه مه در مراسمی در استادبوم محله کارگری آتن ۵ هزار عضو و هوادار حزب کمونیست یونان و میهمانان خارجی شرکت کردند. رفیق فلوراکیس در سخنرانی خود بار دیگر ضرورت مبارزه جهانی در راه صلح را خاطر نشان ساخت. او افزود: حزب کمونیست یونان "همه نیروهای مترقی را به همکاری در یک جبهه وسیع توده‌ای و بسود زحمتکش" فرامی‌خواند.

رفیق میخائیل سولومنتسوف، عضو دفتر سیاسی و نماینده حزب کمونیست اتحاد شوروی در کنگره دوازدهم حزب کمونیست یونان، بنام همه میهمانان خارجی، برگزاری موفقیت آمیز کنگره را به رفقای یونانی تبریک گفت.

## شرکت نمایندگان شورای صلح ایران در کنفرانس خلع سلاح و توسعه

روز ۱۷ ماه مه "کنفرانس بین المللی سازمانهای اجتماعی (غیر دولتی) درباره خلع سلاح و توسعه" در استکهلم با صدور فراخوانی به کار خود پایان داد. در این فراخوان به ضرورت نابودی جنگ افزارهای هسته ای و دیگر سلاح های امحاء جمعی و جلوگیری از گسترش نظامیگری به فضا اشاره شده است.

در این کنفرانس سه روزه نمایندگان نزدیک به ۹۰ سازمان صلح از ۴۷ کشور جهان، از جمله "شورای صلح ایران"، شرکت کردند (فعالیت این هیئت نمایندگی بعداً در "نامه مردم" منعکس خواهد شد).

با برگزاری "کنفرانس استکهلم" کنفرانسی دیگر درباره "خلع سلاح و توسعه تدارک دیده شده که پائیز امسال به کوشش سازمان ملل متحد در نیویورک برگزار خواهد گشت.

## شرکت نماینده حزب توده ایران در کنگره کمونیست های یونان

در روزهای ۱۶-۱۲ ماه مه دوازدهمین کنگره حزب کمونیست یونان در آتن برگزار شد. نمایندگان ۷۵ حزب کمونیستی و کارگری، جنبش های آزادی بخش ملی و احزاب ملی - دمکراتیک، میهمان کنگره بودند. نماینده هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز از جمله میهمانان و سخنرانان این کنگره بود.

برای نخستین بار، نمایندگان مهمترین احزاب یونان نیز در کنگره حزب برادر در این کشور حضور یافتند و در برابر شرکت کنندگان پیام های خود را خواندند.

رفیق هاری لاٹوس فلوراکیس، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست یونان، در سخنرانی گشایشی خود گفت:

"در آستانه سده بیست و یکم مبارزه کمونیستها برای جهانی صلح آمیز و بری از جنگ افزارهای هسته ای و دیگر سلاح های نابودی جمعی، جهانی که بقای بشریت و پیشرفت تاریخ را ممکن سازد، ابعادی فراگیر می یابد."

رفیق فلوراکیس هدف اساسی حزب را تحقق اتحاد عمل همه نیروهای چپ برای "برهم زدن بازی دو حزبی" (حزب محافظه کار "دمکراسی نو" و احزاب سوسیال - رفرمیست و سازشکار "پاسوک") و پیشبرد سیاست "چرخش در راستای سوسیالیسم" خواند.

بگفته فلوراکیس:

"هر روز که می گذرد، سیستم مدیریت و "نوسازی" سرمایه داری یونان، که پس از تغییرات سیاسی ۱۹۷۴ و برپایه سلطه متناوب دو حزب پای گرفت، بی اعتبارتر و بی اعتبارتر می شود. نشانه های بحران در جامعه یونان افزایش می یابد: اختلاف های میان دو حزب ("دمکراسی نو" و "پاسوک") نمی تواند همکاری هر چه بیشتر آنها در زمینه های اساسی سیاست و در راستایی بقیه در ص ۷

شرکت نماینده حزب توده ایران در هشتمین کنگره حزب سوسیالیست متحد برلین غربی

## هورست اشمیت: با همه نیرو از حزب شما پشتیبانی می کنیم

هشتمین کنگره "حزب سوسیالیست متحد برلین غربی" در روزهای ۱۷-۱۵ ماه مه زیر شعار "با حزب سوسیالیست متحد برلین غربی، برای صلح، کار، دمکراسی و پیشرفت اجتماعی" برگزار شد. فزون بر ۵۸۷ نماینده این حزب و بیش از ۱۰۰ میهمان، از جمله فرستادگان احزاب، سندیکاهای کارگری و جنبش صلح شهر برلین غربی، ۲۷ هیئت نمایندگی احزاب برادر نیز در کنگره نامبرده شرکت داشتند. نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز از جمله میهمانان کنگره هشتم بود.

رفیق هورست اشمیت، صدر "حزب سوسیالیست متحد برلین غربی"، در گزارش رهبری حزب به تشریح وظایف حزب در پیکار برای صلح و پیشرفت اجتماعی در برلین غربی پرداخت. وی "توان رزمی حزب و روند تحکیم سیاسی - ایدئولوژیک و سازمانی" آنرا مثبت ارزیابی کرد.

نماینده کمیته مرکزی حزب توده ایران در سخنرانی خود پی آمدهای فاجعه بار جنگ ایران و عراق را بر شرد و اوضاع ایران در شرایط فرمانروایی حکومت ارتجاعی و سرکوب هر گونه آزادی دمکراتیک را تشریح کرد. سخنان نماینده حزب توده ایران و فراخوان او برای همبستگی هر چه بیشتر با مبارزان ضد جنگ و ضد دیکتاتوری کشور ما با استقبال حاضران رو به رو شد.

نمایندگان کنگره هشتم "حزب سوسیالیست متحد برلین غربی"، پس از بحث سه روزه اسناد گوناگونی - از جمله دو سند با عنوانهای "صلح را تأمین کنید!" و "خواست های فوری حزب سوسیالیست متحد برلین غربی علیه پیکاری گسترده و پایدار" - را به تصویب رسانیدند. هورست اشمیت بار دیگر به سمت صدر حزب انتخاب شد.

در جریان برگزاری هشتمین کنگره حزب برادر در برلین غربی دیدارهایی میان نماینده حزب توده ایران و نمایندگان احزاب کمونیستی و کارگری ایالات متحده آمریکا، قبرس، ویتنام، بریتانیا، کره، دمکراتیک و افغانستان صورت گرفت.

در پایان کنگره، در جلسه آشنایی با رهبری جدید، رفیق هورست اشمیت در پاسخ شادباش نماینده حزب توده ایران بمناسبت انتخاب دوباره خود، گفت:

"ما اوضاع ایران را بدقت دنبال می کنیم و برای پیکار حزب توده ایران در شرایط دشوار خفقان ارج فراوانی قائلیم."

وی افزود:

"اطمنیان داشته باشید که حزب سوسیالیست متحد برلین غربی با همه نیرو پشتیبان شما خواهد بود."

## تسلیت به حزب کمونیست لبنان

رفیق عزیز حاوی،

با اندوه فراوان از خبر قتل ناجوانمردانه رفیق دکتر حسن حمدانه، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست لبنان، آگاه شدیم.

بنام کمیته مرکزی حزب توده ایران، این ضایعه دردناک را به حزب شما و بازماندگان رفیق حمدانه تسلیت می گویم.

ما این سو قصد جنایتکارانه را بشدت محکوم می کنیم و همبستگی خود را با شما در مبارزه دشوارتان در راه وحدت ملی، نوسازی دمکراتیک و پیشرفت اجتماعی خواستاریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

دبیر اول: علی خاوری

مه ۱۹۸۷

**کمک مالی به حزب توده ایران**  
**یک وظیفه انقلابی است**

حساب بانکی ما:  
Sweden  
Stockholm  
Sparbanken Stockholm  
N: 040012650  
Dr. John Takman

**کمک های مالی رسیده:**

دوستی از برلین غربی ۲۰۰ مارک  
هواداران حزب در یونان ۱۰۰ دلار  
مادر سه پچه انگلشتر طلا  
ستاره شمال ۲۰۰ مارک  
پیاد رفقای تهران ۳۰ مارک  
انوشه و احسان ۱۵۰ کیلان  
دوستی از هلند ۲۷ فلورن  
دوستی از هلند ۲۳ فلورن  
پرویز ۴۰۰ کرون  
ونوس ۱۷۰۰۰ افغانی  
از رفقای هلند به مناسبت ۲۱ اردیبهشت ۱۷۰ گولدن  
سام ۱۰ دلار  
کمک به خانواده زندانهای سیاسی:  
از آخن ۴۷۵ مارک  
از کلن ۱۲۱ مارک  
از کلن ۱۱۲ مارک  
نعیم - ش ۱۰۰۰ افغانی

NAMEH  
MARDOM  
No. 156

P.B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

26 Mai 1987

# جبهه متحد خلق ضامن پیروزی انقلاب است